

اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.
منصور حکمت



www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران



محمد آسگران

خیزشهای شهری در کردستان وظایف و شیوه برخورد کمونیستها (۳)

تمام آغشتگی های سنتی و ناسیونالیستی ای که دارند به چپ جامعه نزدیک میشوند. منتهعین از حزب کمونیست کارگری ایران یکی از این سازمانها است که تابع نوسانات این تعادل قوا است.

جایگاه و وزن منتهعین در کردستان

قبل از اینکه به سیاست و متد آنها بپردازم برای شناخت آن دسته از خوانندگان که اسناد مباحثات ما را مطالعه نکرده اند مختصراً در یک سطح عمومی به چگونگی شکل گیری آنها میپردازم. اینها از حزب کمونیست کارگری ایران جدا شدند. اسم خود را حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست گذاشته اند. با یک پسوند به آخر اسم حزب بطور غیر معقولی اسم حزبی را که از آن جدا شده اند را کپی کرده و به ناحق زیر نام آن فعالیت میکنند. اینها حزب کمونیست کارگری نیستند، زیرا خودشان اعلام کرده اند که از آن حزب انشعاب کرده اند و با اصول پایه ای این حزب مخالف هستند. حکمتیست هم نیستند زیرا از تمام

صفحه ۴

در قسمت دوم این نوشته به نقش و جایگاه سازمان زحمتکشان پرداختیم. در این قسمت جریانات دیگر کردستانی را در متن اوضاع سیاسی امروز و نقششان در خیزشهای شهری کردستان مورد بحث و بررسی قرار دهیم. در اینجا نقش و سیاست جریان انشعابی از حزب بطور مشخص مورد بحث است. اما باتوجه به ناشناخته بودن این جریان من تلاش میکنم مختصری از شکل گیری اینها را مرور و در عین حال نظرم را هم بیان کنم، که خواننده شناخت معینی از آنها پیدا کند.

در میان دو قطب اصلی ناسیونالیسم و کمونیسم کارگری، جریانات بینا بینی حالت سیال بودن فعلی را ادامه میدهند. جایگاه واقعی و اجتماعی این سازمان نیز به نسبت قدرت کمونیسم کارگری و راست جامعه، در کردستان ناسیونالیسم کرد، تعیین میشود. اگر جریانات ناسیونالیستی دست بالا پیدا کنند اینها به آن سمت خواهند رفت، اما عکس این قضیه هم صادق است اگر کمونیسم در جامعه دست بالا پیدا کند اینها با

گزارش به کارگران و مردم ایران

کارگران شاهو شما را به حمایت فرا می خوانند

صفحه ۳

کمپین مالی یکماهه با موفقیت کامل به پایان رسید

صفحه ۲

نیروهای رژیم به تجمع اعتراضی کارگران ایران پویا حمله کردند.

صفحه ۸

تجمع کارگران شاهو در مقابل شرکت آتیه در تهران

صفحه ۸

مذاکرات کارگران شاهو با شرکت آتیه به نتیجه رسید

صفحه ۸



۱۱ کارگر معدن زرنند کرمان در اثر سودجویی کارفرما کشته شدند

صفحه ۲



عبدل کلپریان

یادداشت هفته

به امید موفقیتهای بیشتر

نیمه اول سپتامبر امسال برای جنبش کمونیسم کارگری روزهای بیاد ماندنی و شیرینی در صفحات تاریخ این جریان خواهد بود. دو رخداد و دو واقعه مهم، مهر دیگری بر حقانیت و تیزبینی کمونیسم کارگری را بر پیشانی خود ثبت کرد. در شرایطی که اسلام سیاسی در هر گوشه و کنار این کره خاکی و با همکاری و مماشات دولتهای دینفع در صدد پرو بال گرفتن است، در شرایطی که سالهاست دولتهای اروپائی در سازش با دولت و جریانات مذهبی و در راس آنها رژیم جمهوری اسلامی به رایزنی مشغولند، ممنوع اعلام شدن دادگاه های شریعه در آنتاریو و به عقب راندن جریانات و افکار پوسیده و خرافی مذهبی در کانادا، فقط با تلاشهای فعالین حزب کمونیست کارگری و با کمک و همیاری افکار مترقی و آزادیخواه ممکن و میسر شد. نتیجه این تلاشها، ضربه ای بر پیکر

صفحه ۲ ←

سر دبیر
ایسکرا
عبدل گپریان

Tel: 00358 405758250
E-mail:
abdolgolparian@yahoo.com

دبیر
کمیته کردستان
محمد آسنگران

Tel: 0049 1633458007
E-mail:
asangaran@aol.com

تلویزیون
کانال جدید
۸ تا ۱۰ شب

Satellite: Telstar12

Center Frequency:
12608MHz

Symbol Rate:19279

FEC:2/3

Polarization:Horizontal

رادیو انترناسیونال
۹ هر شب

رادیوی قوی با پوشش
سراسری در ایران

صدای آزادی، صدای حقیقت
صدای کارگر، صدای انسانیت
به همه طول موج
رادیو را معرفی کنید

۲۱ متر برابر
با ۱۳۸۰۰ کیلو
هرتز

ایسکرا
چهارشنبه ها منتشر
میشود

از صفحه ۱ **به امید موفقیت‌های بیشتر**

نسبیت فرهنگی و دسته بندی کردن انسانها تحت لوای فرهنگ خودی، ضربه ای بر بربریت مذهبی علیه زنان، و کودکان و در يك كلام ضربه ای بر وجود منحوس اسلام سیاسی بویژه در قامت رژیم اسلامی خواهد بود. به این پیروزی و این موفقیت باید ارج نهاد و آنرا در هر جا که قوانین ارتجاعی مذهبی می خواهد خود را بگستراند، باید با صف يك دست و متعرض آزادیخواهی، برابری طلبی، سکولاریسم و جنبش کمونیسم کارگری پاسخ بگیرد. این کارما و این امر ماست. می توان و باید کاری کرد تا با اتکا به جلب افکار عمومی جامعه، تبدیل و تحمیل حقوق برابر و یکسان به قوانین جاری و قابل اجرا، کسب حقوق یکسان شهروندی، آنرا به تحقق رسانید و بساط ضد انسانی این جریان را برای همیشه برچید.

و اما رخداد دوم

از هفته ها قبل تریبونهای حزب کمونیست کارگری (راديو و تلویزیون انترناسیونال) با مشکل مالی سختی روبرو بود تا جایی که ادامه کاری این دو رسانه مهم و حیاتی حزب که صدای آزادی خواهی، حقیقت و انسانیت است، با خطر بسته شدن مواجه شد. فراخوان رهبری حزب و درخواست از

انسانهای بیشماری که این صدا را از آن خود می دانند و برای کمک به تداوم کار آن، با استقبال گرم و صمیمانه و بیسابقه ای روبرو شد که در حد خود بی نظیر و تاریخی بود. صف آزادیخواهی و انقلاب این دو رسانه (راديو و تلویزیون انترناسیونال) را در آغوش خود گرفت و بار دیگر نشان داد که تداوم این صدا و این تریبون را تضمین خواهد کرد. پاسخگویی به این فراخوان نشان داد که جنبش کمونیسم کارگری و برقراری سوسیالیسم فقط با اتکا به توده های وسیع کارگر و مردم آزادیخواهی متحقق خواهد شد که در چنین شرایط حساس و دشواری چپ و کمونیسم خود را مراقبت، نگهداری و پرورش خواهند داد. پاسخ به موقع و مثبت تمامی عزیزانی که صدای حزب را از آن خود دانستند و با این فراخوان همراه شدند، در نوع خود شورانگیز و امید بخش بود. این دو موفقیت مهم را بایستی به جبه آزادی خواهی و سوسیالیسم تبریک گفت.

به امید موفقیت‌های بیشتر

۱۵ سپتامبر ۲۰۰۵

از صفحه ۱ **کمپین مالی حزب کمونیست کارگری،**
یک ماه صد هزار دلار
۱۱۵۷۶۰ دلار جمع آوری شد.

کمپین مالی یکماهه با موفقیت کامل به پایان رسید

موفق بود. و صرف نظر از اینکه کمک کرد تا حزب از يك وضعیت دشوار مالی خارج شود، تجارب و درسهای بسیار باارزشی بجا گذاشت که میتوان امیدوار بود با اتکا به آنها و با تداوم تجارب این دوره بتوان بهبود موثری در وضعیت مالی حزب ایجاد نمود. جنب و جوشی که در میان دوستداران حزب در داخل و خارج کشور برافه افتاد، احساس مسئولیتی که انبوه کارگران و دوستداران حزب و مردم شریف و زحمتکش از خود نشان دادند، آمادگی بالائی که واحدهای حزب در همه جا از خود نشان دادند و راهها و شیوه هائی که در این يك ماه برای جمع آوری کمک تجربه شد، امیدواری بسیار بزرگی است به اینکه این حزب بر دوش دوستانش، همانها که از نظر سیاسی آنها را حمایت میکنند، قادر است مشکل مالی خود را حل کند. حزب آنقدر در میان مردم نفوذ و محبوبیت دارد که نگذارند در تنگنا قرار گیرد. این شورانگیزترین جنبه این کمپین بود.

دست تک تک تان را میفشاریم.
اصغر کریمی
از طرف هیئت دبیران حزب
کمونیست کارگری ایران
۱۵ سپتامبر ۲۴ شهریور

کمپین مالی حزب، با هدف يك ماه صد هزار دلار، که در تاریخ ۲۵ مرداد، ۱۶ اوت، شروع شده بود، امروز ۲۴ شهریور، ۱۵ سپتامبر، به پایان موفقیت آمیز خود رسید و بیش از مبلغ مورد انتظار یعنی ۱۱۵۷۶۰ دلار کمک در پاسخ به فراخوان حزب جمع آوری شد. بعلاوه طبق گزارشاتی که به حزب رسیده است، کمک هائی از چند کشور و نیز چند شهر در داخل کشور در راه است که گزارش آنرا پس از دریافت این کمک ها در روزهای آینده منتشر خواهیم کرد.

مجموعاً ۷ لیست کمک مالی تاکنون منتشر شده است. و کمک هائی که بعد از این بدست ما برسد منظم در سایتها و نشریات و سایر رسانه های حزب منعکس خواهد شد.

کمپین يك ماهه به فرجام رسید اما تلاش ما برای جمع آوری کمک مالی ادامه خواهد داشت و با استفاده از تجارب این کمپین گسترش نیز خواهد یافت.

اینجا به همه دوستانی که به فراخوان حزب پاسخ مثبت دادند درود میفرستیم و صمیمانه قدردانی میکنیم. به همت تک تک شما عزیزان، این کمپین چه از نظر مالی و چه سیاسی يك کمپین بسیار

از صفحه ۱ **۱۱ کارگر معدن زرنند کرمان در اثر سودجویی کارفرما کشته شدند**

آن شد. به خانواده ها و بازماندگان کارگران جان باخته باید غرامت پرداخت شود و زندگی آنها تامین گردد. يك خواست همیشگی کارگران باید ایمنی محیط کار و تامین بازرسی کارگری بر محیط های کار باشد. نباید اجازه داد سرمایه داران حریص با جان و زندگی کارگران اینچنین بازی کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ شهریور ۱۳۸۴
۱۶ سپتامبر ۲۰۰۵

شرکت دلتا هزار واگذار شده است. از آن زمان فشار کار افزایش بیشتری یافت و تعداد زیادی از کارگران اخراج شدند و در حال حاضر ۱۲۰ کارگر در این معدن مشغول به کار می باشند.

حزب کمونیست کارگری ایران جان باختن این کارگران را به خانواده و بستگان و همکاران آنها تسلیت میگوید. قتل این کارگران جنایاتی آشکار از جانب کارفرماست و باید با اعتراض یکپارچه خواهان بررسی علت این انفجار و محاکمه عاملین

مسئولین شرکت زغال سنگ همین مساله علت وقوع انفجار و مرگ ۱۱ کارگر بوده است. اسامی کارگران جانباخته عبارتست از: حمید رضا دهقان، حسن گریکی، مهدی دهشت، عباس یوسف زاده، سعید مومنی، علی نختاری، مختار هادی مختاری، رضا مومنی نژاد، عباس یوسف زاده، علی کاربخش و علی نختاری.

این معدن سال گذشته با ۲۲۰ کارگر ازسوی شرکت دولتی زغال سنگ کرمان به بخش خصوصی و به

در جریان انفجار در معدن "باب نیزو" در زرنند کرمان روز سه شنبه ۲۲ شهریور ماه ۱۱ کارگر جان خود را از دست دادند. بر اساس اولین اطلاعاتی که در خصوص وقوع انفجار از طرف مسئولین منتشر شد علت این امر بسته شدن راهرو تونل معدن اصلی معروف به "افق ۲" بوده است. بنا به گزارشهایی که روز پنجشنبه منتشر شد کارفرما برای کاهش هزینه ها در ساعات اضافه کاری دستگاههای تهویه و تخلیه گاز معدن را به حالت "نیمه فعال" نگه میدارد و به اعتراف

گزارش به کارگران و مردم ایران

کارگران شاهو شما را به حمایت فرا می خوانند

شاید در جریان مبارزات چند ماهه ما در کارخانه شاهو در سنندج قرار داشته باشید. پس از بیست تا بیست و هفت سال سابقه کار در شرایط بسیار غیر بهداشتی کارخانه نساجی شاهو، پس از سالها کار با دستمزد بسیار پائین، پس از سالها استثمار توسط سرمایه داران و تحمل فقر و محرومیت، تعدادی از ما را اخراج کرده اند و تعدادی که هنوز سر کار هستند، هر لحظه با خطر بیکار شدن بدون دستمزد و مزایا مواجهند. ما را اخراج کرده اند بدون اینکه حق بازنشستگی به ما پرداخت شود و آنها که سر کار هستند مدتی است همان دستمزد حقیرشان را پرداخت نکرده اند.

در یکسال گذشته اعتراضات بسیار گسترده ای سازمان دادیم. ابتدا نامه های زیادی نوشتیم و مذاکرات زیادی انجام دادیم اما نتیجه نگرفتیم. دست به اعتصاب و اجتماعات اعتراضی در سنندج و تهران زدیم و علیرغم قول و قرارهای زیادی که ادارات و مقامات مختلف به ما دادند اما زیر قول های خود زدند و هنوز به مطالبات ما پاسخ نداده اند.

وضعیت ما گوشه ای از وضعیت کل طبقه کارگر در سراسر کشور را بیان میکند. سالها استثمار شدید توسط سرمایه داران، سالها محرومیت و بی حقوقی، سالها وعده های دروغین، سالها حمایت اداره کار و سایر ادارات دولتی از کارفرماها، سالها تهدید و سرکوب توسط نیروهای انتظامی این سهم همه ما از زندگی است.

ما بارها اعلام کرده ایم که این زندگی شایسته ما نیست. محصول سالها کار و رنج طاقت فرسای ما فقر بیشتر برای ما و فرزندانمان و ثروت بیشتر برای اقلیتی مفتخور بوده است.

ما راههای مختلف را تجربه کردیم، از مردم شهر کمک خواستیم، مشکلاتمان را با سازمانهای کارگری در سراسر جهان در میان گذاشتیم، همسران و

دوستانمان ما را در اعتراضات همراهی کردند، اخبار اعتراضاتمان را به هر شکل توانستیم به اطلاع جامعه رساندیم اما این مبارزات کافی نبوده است. ما قصد تسلیم شدن نداریم ما واقعا چیزی برای از دست دادن نداریم. کار به استخوان ما و دهها میلیون همکار دیگرمان در سراسر کشور رسیده است. هرچه بیشتر ساکت شویم محرومیت بیشتری باید تحمل کنیم. اعتراض ما هم با تهدید و سرکوب مواجه شده است

بارها رهبران ما را احضار و تهدید کردند تا دست از مبارزه برداریم و اجازه دهیم کارفرماها هرچه خواستند بر سر ما بیاورند. اما ما بیشتر به این نتیجه رسیدیم که تنها راه اتحاد ما، جلب حمایت سایر کارگران و مبارزه پیگیر ما است.

ما خواهان پایان دادن اینجای اعلام میکنیم و از همه مردم آزادیخواه از همه کارگران و خانواده های کارگری میخواهیم همبستگی شان را با مبارزات ما اعلام کنند. خوشحالیم که کارگران کاشان با مبارزات قهرمانانه شان به گوشه ای از خواستههایشان رسیدند و پس از مبارزات و راهپیمایی به پنج ماه از چهارده ماه حقوق عقب افتاده شان رسیدند. ما همبستگی مان را با آنها و با همه کارگران در سراسر کشور اعلام میکنیم. از قطعنامه کارگران ایران خود رو که خواستههای همه ما کارگران را منعکس کرده است پشتیبانی می کنیم. امروز مطلع شدیم که کارگران پشم بافی آسیا در کرمان را که برای احقاق حقوق خود جاده را بسته بودند، وحشیانه سرکوب کرده اند. زن کارگر حامله را روی زمین کشیده اند و خود رونظامی را روی پای زن کارگر دیگری عبور داده اند. ماهمبستگی مان را با رفقای کارگرممان در پشم بافی آسیا اعلام می کنیم و برخورد نیروهای انتظامی را شدیداً محکوم می کنیم.

ما خواهان پایان دادن به مبارزات ما در سراسر کشور و از همه مردم آزادیخواه در سنندج شریف سنندج میخواهیم فعالانه تر از گذشته از مبارزه ما حمایت کنند، در تجمعات شرکت کنند، ما را به هر شکل میتوانند یاری دهند. مبارزه ما باید به پیروزی برسد. پیروزی ما پیروزی همه کارگران و همه مردم آزاده است. ما میتوانیم پیروز شویم اما دست کمک مان را به شما دراز میکنیم. با ما اعلام همبستگی کنید. کارگران کارخانه های مختلف به هر شکل میتوانند از ما حمایت کنند. خواستههای ما خواستههای همه شما است.

۱- ما خواهان بازگشت فوری به کار و دریافت تمام مزایای خود و دریافت حق بازنشستگی کامل برای همه کارگران اخراجی هستیم.

۲- ما خواهان پایان دادن فشار به کارگران برای امضای قرارداد موقت هستیم.

۳- همچنین ما خواهان رسمی شدن کارگران قراردادی میباشیم.

۴- ما خواهان پرداخت فوری تمام حقوق معوقه کارگران شاغل در شاهو هستیم.

۵- ما خواهان دستمزد و بیمه بیکاری حداقل ۴۵۰۰۰۰ تومان برای تمام کارگران در سراسر کشور هستیم و پشتیبانی خود را از خواست کارگران کاشان و فیلیورو پتروشیمی و ایران خودرو و کشتی سازی و سایر مراکز کارگری برای افزایش حقوق به حداقل ۴۵۰۰۰۰ تومان حمایت می کنیم و آنرا حق همه کارگران و حقوق بگیران زحمتکش می دانیم.

کارگران شاغل و اخراجی
کارخانه شاهو در سنندج

۵ مرداد ۱۳۸۴

- ۱ اسماعیل کاظمی
- ۲ صدیق قره ای
- ۳ خالد سواری
- ۴ ابراهیم فتحی
- ۵ حبیبالله ملازاده
- ۶ احمد محمودی
- ۷ علی حاجتی
- ۸ یدالله حسین پناهی
- ۹ حبیبالله میرکی
- ۱۰ صدیق زندی
- ۱۱ امجد طیری
- ۱۲ هادی احمدی
- ۱۳ سید صدیق صیدی
- ۱۴ محمد دنیایان
- ۱۵ فریدون پالیزی
- ۱۶ محمد امین بهمنی
- ۱۷ محمد علی حبیبی
- ۱۸ حسین کرمی
- ۱۹ ناصر عزیزی
- ۲۰ ابراهیم فیضی
- ۲۱ فردین صید مرادی
- ۲۲ نادر
- ۲۳ جمال
- ۲۴ حمید یوسفی
- ۲۵ نریمان آینه
- ۲۶ اسماعیل امجدی
- ۲۷ عابد ابراهیمی
- ۲۸ عبدالله کاج
- ۲۹ هوشنگ محمدی
- ۳۰ معروف حسین پناهی
- ۳۱ صدیق رحیمی
- ۳۲ حبیب الله
- ۳۳ صدیق ناصری
- ۳۴ زینب کاظمی
- ۳۵ گلپهار کاظمی
- ۳۶ سارا کاظمی
- ۳۷ ایرج توانافر
- ۳۸ واحد توانافر
- ۳۹ منیره ابراهیمی
- ۴۰ حسین قادری
- ۴۱ شیما احمدی
- ۴۲ امین احمدی
- ۴۳ پروانه مروریا
- ۴۴ شادمان احمدی
- ۴۵ آزاد شریفی
- ۴۶ کاوه احمدی
- ۴۷ صدیق محمدی
- ۴۸ صدیق قربانی
- ۴۹ جمیل احمدی
- ۵۰ حسن خداامردی

- ۵۱ صبیحه رحمتی
- ۵۲ حسن ملکی
- ۵۳ شنو قادری
- ۵۴ روناک قادری
- ۵۵ فرشته قوامی
- ۵۶ سرگل قادری
- ۵۷ بهره قادری
- ۵۸ حسین قادری
- ۵۹ دهقان
- ۶۰ سامان حاجتی
- ۶۱ پرستو حاجتی
- ۶۲ فواد قادری
- ۶۳ عثمان محتشمی
- ۶۴ یونس کریمی
- ۶۵ میرزا کریمی
- ۶۶ فرامرز کاویانی
- ۶۷ علی سهرابی
- ۶۸ اسدالله کریمی
- ۶۹ امین پناهی
- ۷۰ شیرین احمدی
- ۷۱ عارف مرادی
- ۷۲ محمد مرادی
- ۷۳ جمشید یار محمدی
- ۷۴ مژگان
- ۷۵ پروانه صادقی
- ۷۶ آرزو
- ۷۷ نادر
- ۷۸ انور اسماعیلی
- ۷۹ احمد خسروی
- ۸۰ توران کاظمی
- ۸۱ ایران کاظمی
- ۸۲ پیمان سلیمی
- ۸۳ خبات سلیمی
- ۸۴ محمود سلیمی
- ۸۵ محمد ایوبی
- ۸۶ مریم جعفری
- ۸۷ سمیه ناصری
- ۸۸ هانه ایوبی

با پوزش از عزیزانی که با اسامی فامیل آنها در این لیست نوشته نشده و یا ممکن است بعضی از اسامی اشتباه قید شده باشد. علت این امر ناخوانائی بعضی از اسامی در لیست اصلی است که بصورت دست نویس میباشد.

ایسکرا

خیزشهای شهری در کردستان وظایف و شیوه برخورد کمونیستها

(۳)

مبانی فکری منصور حکمت فاصله گرفته اند. این اسم ربایی همان سبکی است که سازمان زحمتکشان برای سرقت اسم کومله بکار برد. ما قبلاً سیاستهای اینها را به تفصیل نقد کرده ایم، اسناد این مباحث در سایتهای حزب از جمله در سایت www.iskraa.org در دسترس است. در اینجا بیان مختصری از پروسه انشعاب اینها و برخی اختلافات و مباحث مهم و مضمونی و سبک کاری که با اینها داشتیم لازم است.

اینها اساساً تعدادی از کادرهای تشکیلات کردستان حزب ما بودند که از حزب جدا شدند. شیوه جدایی شان از حزب، به همان سبکی که سازمان زحمتکشان از کومله جدا شد، بود. سنت شان به تاریخ دوران اولیه کومله برمیگردد. هم مهتدی و هم اینها در حسرت دوران "خوش" و محفلیسم سنتی و پوپولیستی کومله قصد برگشت به آن تاریخ را دارند. اما مهتدی بدون ملاحظه و با صراحت بیشتری این مسیر را رفته و از فرط خوشحالی در عرصه قومپرستی از پ'ک'ک هم پیشی گرفته است. دوستان سابق ما اما هنوز يك پا در تاریخ کومله سال ۵۸ و يك پا در چپ امروز دارند. فکر میکنند با سنت آن دوران راحتتر به فعالیت خود ادامه میدهند. تمام تلاششان این بود که در جریان و بعد از جدایی اشان از حزب، هر ضربه ای که میتوانند به حزب وارد کنند و برونند. تا جایی که به بخشی از رفقای داخل ایران اعلام کرده بودند که حزب منحل شده است.

اینها هر نفرشان پنج تا شش بار از حزب استعفا دادند تا نشان دهند که وزنه ای هستند، اوایل حتی خودشان این دروغها را باور کرده بودند و اعلام کردند که اکثریت حزب با آنها است. اکنون واقعیات سرسخت آنها را کمی محتاط کرده است. يك بار به اسم عضو کمیته فلان کشور، يك بار به اسم کمیته کردستان یکبار به اسم عضویت در فلان سازمان جانبی حزب یکبار به اسم عضو و یکبار به اسم کادر و... استعفاایشان را نوشتند و تشریف

برند. جالب این است که این شو سیاسی را هنوز شاهدیم. امیج سازی نوع آقای مدرسی همین بود که هر نفر شش بار استعفا بدهد تا خواننده بی اطلاع فکر کند که اینها وزنه ای هستند. در حزب ما مجال پیاده کردن این تصویر سازیها را نیافتند و رفتند. آقای مدرسی با هر ترفندی به قبله آمالش رسید، در حزب جدیدش بدون مقاومت حزب خانوادگی را بالاخره درست کرد. این آرزوی آقای مدرسی قبلاً با شکست روبرو شده بود، اما اکنون در سازمان تازه سازش عملی شده است. سازمانها و ارگانهای حزبشان را نگاه کنید و مسئولین آنرا ببینید تا متوجه این محفل خانوادگی و غیر سیاسی بشوید. اینها حزب نیستند، این خیمه شب بازی را هیچ آدم جلیبی از اینها نمیپذیرد. مدتی طول نخواهد کشید که آدمهای در میان اینها پیدا میشوند و صدایشان بلند خواهد شد. آقای مدرسی میخواست همین سبک را در حزب ما پیاده کند که نتوانست.

اینها هنگام رفتن از حزب با سبکی غیر مسولانه و با سیاستی انحلال طلبانه هنگامی که تلاششان برای مخفی نگهداشتن مباحثات دورنی بی نتیجه ماند، تصمیم شان را گرفتند و رفتند. زیرا دو سال تمام مقاومت کردند که این مباحثات علنی نشود. دلیل این امر هم روشن بود میدانستند اگر آن مباحث علنی شود و آنها بر نظراتشان پافشاری کنند در کنگره بعدی هیچ کدام از آنها برای عضویت در کمیته های رهبری رای نخواهند آورد.

در همان دوران رحمان حسین زاده در جلسه دفتر سیاسی اعلام کرد: "اگر این مباحث را علنی کنید، همان کاری را میکنید که ما با علنی کردن اسناد خلیج در مقابل کومله کردیم. آنوقت من استعفا میدهم. زیرا این مبارزه سیاسی نیست، این افشاکاری از جناح ما است". نقل به معنی - برای شنیدن این گفته ها به بحثهای جلسات دفتر سیاسی بر روی سایت های حزب مراجعه کنید.

از نظر ایشان علنی کردن مباحث مورد اختلاف در مقابل

کومله درست بود اما در مقابل خودشان نادرست است. از منظر اینها ما در مقابل کومله افشاکاری کردیم، تصور يك مبارزه سیاسی و رویاروی برای اینها مشکل بود. فکر میکردند که حزب يك محفل خودمانی است، هنوز متوجه این واقعیت نیستند که حزب کمونیست کارگری يك حزب سیاسی جدی با سنتهای مدرن است و تفکرات محفلی آنها را برنمیتابد. این تهدید به این دلیل بود که حس وحدت طلبی در بالای حزب، و مشخصاً از جانب ما را دیده بودند، با سواستفاده از این احساس مسولیت ما میخواستند امتیاز بگیرند.

اینها بعد از مرگ منصور حکمت فیلشان یاد هندوستان کرد و يك بار دیگر به چادرهای کومله برگشتند. قرار بود ما يك حزب شفاف باشیم و با کارت رو بازی کنیم، در مدت کوتاهی بعد از منصور حکمت اینها سنتهایی را به حزب تحمیل کردند که در دوران منصور حکمت حزب در نقد آنها رشد کرده بود. یکی از آن سنتها بی اطلاع نگهداشتن حزب و جامعه از مباحث سیاسی مورد اختلاف بود.

کوروش مدرسی اوایل اعلام کرد، حتی کمیته مرکزی هم نباید از این مباحث مطلع گردد. بعداً تحت فشار جناح چپ حزب رضایت دادند که کمیته مرکزی این مباحث را دریافت کند. قدم بعدی که کمیته مرکزی مطلع شد پافشاری برای تحویل این مباحث به کادرها شدت گرفت. آنها گفتند نباید این اسناد به دست کادرها برسد زیرا اتوریته دفتر سیاسی زیر سوال میرود!

در مقابل ما اصرار داشتیم که حداقل منتخبی از این مباحث به کادرای حزب داده شود، آنها باز هم مخالفت کردند. تا اینکه بالاخره قبل از کنگره چهارم و قبل از اینکه سیاست ما عملی شود، کوتاه آمدند و به تمام قطعنامه های پیشنهادی جناح چپ حزب رای دادند. کوروش مدرسی اعلام کرد که در کنگره چهارم و پلنوم بعد از آن کاندید لیبر حزب نخواهد بود و حمید تقوایی کاندید لیبری حزب است. او طی

نامه ای به کمیته مرکزی همچنین اعلام کرد که در پلنوم بعد از کنگره چهارم، کاندید رئیس دفتر سیاسی هم نمیشود. بعد از مدت کوتاهی دیدیم که همه این تعهدها و عقب نشینیهای رسمی و کتبی فقط يك پلیتیک به سبک معامله بازاریها بود.

این تصمیم کتبی و رسمی آقای کوروش مدرسی علامت يك عقب نشینی واضح بود. اما در عین حال ما میدانستیم که این يك عقب نشینی آگاهانه برای تعرض بعدی است. با این عقب نشینی هدف این بود که جناح چپ کمیته مرکزی در مقابل آنها ساکت شود و کادرای حزب از مباحث راست آنها بیخبر نگه داشته شوند. تاثیر این عقب نشینی این بود که مباحث مورد اختلاف در کنگره چهارم حزب تعیین تکلیف نشود.

با این وجود کنگره چهارم تمام مباحث و قطعنامه های مصوبش در تقابل با سیاست و مباحث راستی بود که کوروش مدرسی و همفکرانش قبلاً مطرح کرده بودند. درجوار کنگره، حمید تقوایی به کوروش مدرسی پیشنهاد کرد که اکنون اکثر کادرای بالای حزب حاضر هستند، بهتر است که مباحث اصلی مورد اختلاف را مطرح کنیم و در يك سمینار طرفین از بحث خودمان دفاع کنیم تا کادرای حزب هم در جریان قرار گیرند. این پیشنهاد با مخالفت مدرسی و همفکرانش روبرو شد و برگزار نگردید.

بعد از کنگره چهارم که حمید تقوایی با اتفاق آرا به عنوان لیبر حزب انتخاب شد همچنانکه پیش بینی میشد آنها اپوزیسیون حزب شدند. در مقابل هر کاری و هرسیاستی مقاومت میکردند. حزب کاملاً زمین گیر شده بود. بلافاصله بعد از کنگره چهارم قطعنامه مصوب در مورد اوضاع سیاسی و انقلاب پیش رو در ایران که خودشان به آن رای داده بودند زیر سوال رفت و به مخالف آن تبدیل شدند. در این مقطع بود که ما تلاش کردیم همه مباحث داخلی به اعضا و کادرای حزب داده شود. هنگامی که پافشاری ما را برای علنی کردن

مباحث داخلی دیدند، تهدید به انشعاب کردند. طی بیانیه ای اعلام کردند که در پلنوم بعدی باید سیاست آنها به تصویب برسد و افراد مورد نظر آنها در رهبری حزب قرار گیرند، در غیر این صورت انشعاب میکنند. (بیانیه ۲۱ نفر) طبیعی بود که ما در مقابل این سیاست و خواست راستروانه آنها بایستیم و ایستادیم. در همین مقطع بود که علنی کردن مباحث باز هم موضوعیت جدی تری پیدا کرد. رفیق حمید تقوایی به عنوان لیبر حزب اعلام کرد همه مباحث را با مسولیت خودش علنی میکند و در مقابل ارگانهای حزبی جوابگو است.

با علنی شدن مباحث مورد اختلاف برای جواب قطعی و اصولی به این اختلافات اکثریت بالایی از اعضای حزب خواهان کنگره فوق العاده شدند و لیبر حزب این کنگره را فراخوان داد. اینها با همان سنت سازمان زحمتکشان به گروهی روی آوردند. اعلام کردند اگر قرار است کنگره فوق العاده برگزار شود انشعاب میکنند، به کنگره نمی آیند. اینها میدانستند که اگر به کنگره بیایند تمام سیاستهای آنها نقد و رد میشود و هیچ کدام از مدافعین آن سیاستها برای کمیته های رهبری حزب انتخاب نمیشوند.

سیاست و متد آنها مشخص بود اعلام کرده بودند سوسیالیسم مردم رارم میدهد. آقای کوروش مدرسی چنین میگوید: "نظر من اگر حزب کمونیست کارگری در شرایط متعارف قدرت را بگیرد و در پروسه انقلاب علیه جمهوری اسلامی قدرت را بگیرد و از فردای خودش شروع بکند برنامه سوسیالیستی اش را بعنوان مبنای کار تعیین کند، ضرب اول صفوفی که پشتش جمع شدند، مردمی که پشتش جمع شدند، توده ای که پشتش جمع شدند را از هم میپاشد. چون آن توده مردم از سربك چیز دیگری آمده است با تو، از سربك خواست دیگری آمده است. پایه ات را میپاشد" از جلسات دفتر سیاسی -

خیزشهای شهری در کردستان...

اعلام کردند قدرت سیاسی در ایران میوه ای است که به دامن حجاریان و جریان دوم خرداد می افتد، اعلام کردند در جامعه ایران، راست دست بالا پیدا کرده است و چپ رهبر ندارد و ضعیف است. اعلام کردند حزب، فشار از پایین را میبیند اما چانه زنی از بالا را نادیده میگیرد...

با این سیاستها هنگامی که جدا شدند اعلام کردند که برنامه و اصول سازمانی، و سیاستهای حزب کمونیست کارگری ایران را تا کنگره چهارم قبول دارند و به عنوان سیاست و برنامه خود میپذیرند. اعلام کردند سیاستهای کنگره های حزب را از جمله کنگره چهارم را که تماماً در نقد نظرات آنها نوشته شده بود قبول دارند. کسی که اعلام میکنند عملی کردن برنامه سوسیالیستی حزب مردم را رم میدهد و پایه حزب را از هم میپاشد، چه چیزی و کجای برنامه حزب را قبول دارد. نمیتوان هم این گفته ها را قبول داشت و هم برنامه حزب و سیاستهای حزب را مورد تایید قرار داد. یک آدم جدی در میان اینها پیدا نشد که بگوید آقای مرسى این گفته ها کدامشان فریب و کدامشان جدی است.

در صورتی که برای ما معلوم بود که قبول این سیاستها فقط یک تعارف زمخت با کمونیسم کارگری است. اینها میخوانند از توریته و اعتبار اسم حزب و منصور حکمت سو استفاده کنند. متأسفانه مدت زیادی بعد از رفتنشان طول نکشید که سیاستهای بغایت راست و غیر انقلابی را در جمعشان رسمیت دادند. در عالم واقعی اینها برنامه و سیاستها و مصوبات حزب را قبول ندارند.

تصویر اینها از سیاست و سنتهای سیاسی، تصویری سنتی و عقب مانده است. تاریخ و خاطرات مشترک دوران فعالیت اینها در کومله و سوابق و اهمیت آن در ذهن این جماعت جایگاه بالایی دارد. همه اینها را در کنار هم دیگر اگر قرار دهید، یک سنت مشترک را میبینید، سنت ناسیونالیستی در جنبش کردستان. سنتی که احزاب کردستانی امثال حزب دمکرات

مادر و سر منشا آن هستند، این سنت در عرصه های مختلفی قابل رویت است. معامله کردن در سیاست، محفل خودمانی داشتن و گتوسازی ملی تحت لوای سوابق و خاطرات مشترک، اهمیت سابقه های مشترک، اهمیت و جایگاه برجسته اسلحه، بی اهمیت بودن جایگاه جنبش کارگری، بی پرنسیبی و نان به نرخ روز خوردن و...

جدایی و انشعاب در احزاب سیاسی راست و چپ در جامعه تاریخی طولانی به اندازه عمر پدیده خود حزب دارد. اما سبک جدایی اینها واقعاً عقب مانده و به شکل زمختی انحلال طلبانه بود. سبک جدایشان با سبک سازمان زحمتکشان کردستان قابل مقایسه است. سبکشان، لحنشان، ادبیاتشان، بی پرنسیبی و غیر قابل اعتماد بودنشان، غیرسیاسیگری و بحثهای آشپزخانه ایشان، فاصله شان با هر نوع اخلاق انسانی و صداقت و صمیمیت، رفتار اینها با رفقای سابقشان، اتهامات غیر سیاسی و سابقه تراشیشان، تاریخ سازی و قول و قرارهایی که حتی به خودشان دادند و... خصوصیات و ویژه گیهایی بود که قبلاً از سازمان زحمتکشان شنیده بودیم و اینها تکرار همان سبک شناخته شده بودند. اینها رفتند زیرا سیاستها و روش و منش و سبک کار حزب کمونیست کارگری ایران را قبول نداشتند. انگار این سیاستها و سنتهای ملرن در دوران منصور حکمت به اینها تحمیل شده بود. زیرا یک ماه از مرگ منصور حکمت نگذشته بود فیلشان یاد هندوستان کرد و عین سنتهای عمر ایلخانی زاده را به نمایش گذاشتند. امروز بیش از پیش معلوم شده است که اینها بیش از جنبش کارگری به "جنبش کردستان" عطف توجه دارند. مصاحبه کورش مرسى با مصطفی رشیدی در مورد جدایشان از حزب اینرا به روشنی بیان میکند، هر چند در کردستان هم منشا اثری نبوده اند. یک نمونه دیگر سنت جریان ناسیونالیستی در کردستان را در سازماندهی افراد و ارگانهای آنها به دستور آقای مرسى را نگاه

کنید تا متوجه عقبگرد آنها بشوید. با این وجود متأسفانه معلوم نیست ایستگاه آخر سقوط اینها کجا خواهد بود، اما آنچه روشن است اینها کوله پشتیها را بر پشت بسته و چشم به کوههای کردستان دوخته اند...

اما بعد از جدایی نگاهی به سیاستهای اعلام شده آنها جایگاهشان را بهتر نشان میدهد و این تاکیدی دیگر بر درستی نظرات ما و نقد ما از سبک و سیاست آنها است. اینها رسماً و علناً بی اعتنایی به رای اکثریت اعضای حزب را اعلام کردند. هنگامی که با آمار و ارقام ثابت کردیم که اکثریت اعضا حزب کنگره فوق العاده خواسته اند، اینها اعلام کردند که خمینی هم در ایران بعد از انقلاب سال ۵۷ اکثریت بود و ما جوابش را ندادیم! از درافشانیهای ثریا شهابی

آقای مرسى هم اعلام کردند که برای جمع آوری رای اعضا به هایمهای پناهندگان رفته اند و کنگره ای که آنها تقاضا کنند بی اعتبار است و...

اعضای حزب را با این تفاسیر تحقیر و غیر قابل اعتماد خواندند. رای اعضا برای کنگره فوق العاده را به درآویش در مراسمهای مذهبی تشبیه کردند. به هر حال آنچه که مخالف آنها بود باید یک مارک بسیار عجیب و غیر سیاسی میخورد. معلوم نیست اگر اکنون در سازمانشان اعضا بخواهند این رهبری بی کفایت را کنار بگذارند آیا رایشان جایگاهی دارد یا باز هم پناهنده و درویش هستند. گویا کسانی که از دست رژیم اسلامی فرار کرده اند و پناهنده شده اند اکنون باید از حق کمتری در سیستم و حزب آقای مرسى برخوردار باشند.

برخوردشان به انقلاب و جنبش رادیکال و چپ در جامعه، نشان داد که از جنبش انقلابی و کمونیسم کارگری فاصله گرفته و بیشتر بسوی راست جامعه روان شده اند. در کردستان و خوزستان و تهران و... به مبارزات مردم پشت کردند و راست ترین موضعگیری سیاسی و عملی

را در قبال این مبارزات اعلام کردند. اینها در جریان خیزشهای شهری در شهرهای کردستان حمله مردم به مراکز دولتی و بانکها را ناشی از فرهنگ اسلامی و شرقی دانستند و اعلام کردند که "بانکها اموال مردم است" و شکستن شیشه بانکها حمله به اموال مردم است. علاوه بر این، در جریان اعتصاب عمومی مردم کردستان در ۱۶ مرداد در حالی که مردم هنوز در خیابان بودند، اعلام کردند به خانه بروند و خیابانها باید سوت و کور باشد.

متشعین اعلام کرده اند که در تمام شهرهای شمالی کردستان، "چپ، (هیچ نوع چپی) با تاکید میگویند هیچ نوع چپی، دخالتی نداشته است" و در سندج هم مردم سرود ناسیونالیستها را خواندند و "ریشوهای" رژیمی بانکها را به آتش کشیدند و مردم هم یک ماشین قراضه را آتش زدند" و "الآخر" اگر نگویم اینها در مقابل این اعتراضات قرار گرفتند، آشکارا در تضعیف آن گام برداشتند.

خوشبختانه چون نیرویی نبودند نتوانستند تأثیری بگذارند. اینها دنیا را از دریچه تنگ توان و امکان خودشان میبینند. چشم دیدن فعالیت کمونیستهای دیگر و مخصوصاً حزب کمونیست کارگری را ندارند. اینها مثل زوجهای عقب مانده بعد از جدایی آرزوی مرگ طرف مقابلشان را دارند. تنها سکتاریسم و فرقه گرایی خصوصیات این جماعت را توضیح نمیدهد. این تنگ نظری ناشی از فرهنگ عقب مانده و محدود نگری روستایی آنها است. به هر حال خارج از آرزوهای آنها جریانات و گرایشات دیگری هستند و کار دیگری میکنند. نفرت بی حد و حصر اینها از رفقای سابقشان از این فرهنگ ناشی میشود. مناسبات و سبکشان هم همین است، نه تنها با ما بلکه باخودشان و دیگران هم همین سبک و سیاست را میتوان دید و نشان داد.

اینها به حق و ناحق راست جامعه را بزرگ نشان میدهند که ثابت کنند تیوریهایشان در مورد دست بالا داشتن راست در جامعه درست بوده است. هر حرکتی را با دست و دل بازی به راستها و ناسیونالیستها میبخشند و در کارنامه آنها ثبت میکنند، که

بگویند نه خود و نه هیچ چپی قدرت و نفوذ ندارد. هخا که يك دلک بیش نبود از نظر اینها بعنوان آلترناتیو راست چنان جدی تلقی شد که چپ باید برترسد و خانه نشین شود. زیرا از نظر اینها راست دست بالا را داشت. اکنون که حتی اسمی از هخا نمانده است، اینها به روی مبارکشان نمی آورند که تحلیلشان چی شد، آلترناتیو راست چرا يك ماهه ذوب شد. اکنون پژاک در کردستان بزرگ نمایی میشود، تا به صفوفشان نشان دهند که اگر کاری از آنها ساخته نیست به دلیل قدرت راست جامعه است. ظاهراً چپ و مردم باید همیشه مقهور راست و ارتجاع در جامعه و چشم به انتظار بازی جنبشهای راست باشند.

يك بحث مضمونی و محوری ابراز لطف کوروش مرسى به دولت حجاریانی بود.

نقل قول پایین بندهایی از قطعهنامه پیشنهادی کورش مرسى به دفتر سیاسی در تاریخ ۲۴-۲۰۰۲ است:

۷- "سقوط جمهوری اسلامی در ظاهر و در مرحله اول میتواند شکل سقوط جناح راست را داشته باشد. بخش هایی از بقایای دوم خرداد از هم اکنون دارند حساب خود را از جناح راست جدا میکنند. در صورت وجود اپوزیسیون غالب و قدرتمند دولت آلترناتیو دولت این اپوزیسیون میباید، چیزی که در انقلاب ۵۷ اتفاق افتاد که دولت منصوب خمینی و شورایی انقلاب او تشکیل گردید. شکل انقلاب آتی ایران بیشتر شبیه اشکال کلاسیک تر نظیر انقلاب فوریه ۱۹۱۷ روسیه، سقوط رژیم شوروی، سقوط رژیم رومانی، یوگسلاوی، و غیره خواهد بود. هیچ يك از نیروهای اپوزیسیون سرنگونی خواه در کوتاه مدت در صحنه سیاست ایران و در تناسب قوای موجود نیروی فائده ای که بتوانند نقش تشکیل دولت را بر عهده بگیرند نیستند. در نتیجه دولت میوه ایست که با سقوط جمهوری اسلامی به دست نزدیکترین نیروی موجود در میدان خواهد افتاد. نیرویی که درست همزمان با از هم پاشیدگی اوضاع دولت را میتواند اعلام کند، اهرم های باقی مانده دستگاه دولتی را در

خیزشهای شهری در کردستان . . .

اختیار دارد. این شانس بیش از هرکس شامل بخشی از خود دستگاه دولت جمهوری اسلامی میشود - اساساً بخشهایی از دو خرداد که قطعاً تلاش خواهند کرد بر موج اعتراض مردم سوار شوند (حجاریان و غیره میتوانند تلاش کنند نقش یاتسین در کودتای ارتش را بازی کنند). این دولت قطعاً هم دامنه اقتدار محدودی خواهد داشت و هم سرعت جای خود را به دولت های بعدی با ترکیب متفاوت خواهد داد. یک فاکتور مهم در این رابطه سیاست آمریکا و جناح راست بورژوازی است. تلاش آنها برای تشکیل نوعی پارلمان یا دولت در تبعید در صورت تحقق میتوانند در ترکیب دولت هایی که به قدرت میرسند موثر باشد.

۱۶ - بنظر من پایه سیاست حزب کمونیست کارگری ایران در قبال دولت در این دوره (منظور دولت حجابیانی است که در بالا توضیح داده است) باید بر چند اصل متکی باشد. منظورم از سیاست در قبال این دولت به معنی حمایت از آن نیست. چارچوبی است که در آن حزب کمونیست کارگری خواهان سرنگونی قهرآمیز این حکومت نخواهد شد و قواعد مورد توافق را رعایت خواهد کرد و از دیگران خواهد خواست که این قاعده را رعایت کنند.

الف - طرح حزب کمونیست کارگری نمیتواند ابداع جدیدی باشد. این طرح باید در فرهنگ سیاسی جامعه شناخته شده باشد.

ب - این طرح نمیتواند تحقق آن مستقیماً به معنی حکومت مورد نظر حزب کمونیست کارگری باشد. مثلاً اعلام شوراها بعنوان دولت برای این دوره از دو نظر نادرست است. اولاً چنین شوراهاشی وجود ندارند و در صورت شکل گیری آنها معلوم نیست تحت تاثیر کدام یکی از جریان های سیاسی یا اجتماعی باشند و ثانیاً ملزومات قدرت حزب کمونیست کارگری را بعنوان پیش شرط دخالت حزب معرفی میکند و بنظر میرسد که میدان بازی و

شرایط دمکراتیک برای دخالت احزاب دیگر را تضمین نمیکند. این فشار را از روی آنها بر میدارد و به آنها میدان مانور وسیعتری میدهد.

۲۰ - باتوجه به نکات فوق به اعتقاد من طرح دولت موقت + مجلس موسسان + فرمانده میتواند طرح مورد قبول حزب باشد. مجلس موسسان تنها یک جزاین طرح است در این چهارچوب بسیاری از تناقضات مجلس موسسان مطرح شده از جانب دیگران را ندارد. از میان الترناتیو های موجود کم ضرر تر از همه است و بویژه کم ضرر تر از سکوت یا بی نقشه ماندن حزب در این مورد است.

د - حزب طرح خود برای این دوره یعنی دولت موقت + مجلس موسسان + فرمانده را اعلام میکند.

این قطعنامه آقای مدرسی را با منشور سرنگونی فعلیشان مقایسه کنید، همان استراتژی و همان تاکتیک است اما با فرمولبندی های دیگری تحویل عوام الناس سازمانشان داده شده است. آنها هم ساده لوحانه از او پذیرفته اند. ما بارها گفته ایم اینها به دنبال ائتلاف هستند نه انقلاب، هم در این قطعنامه و هم در منشورشان این را آشکارا میشود دید.

همچنانکه در این قطعنامه قید شده است آقای کورش مدرسی میخواست همراه با دوم خردادها دولت مشترک و حجابیانی تشکیل دهد. اکنون هنگامی که به منشوعبین میگوییم شما میخواستید پشت دولت حجابیانی بایستید و شعار دولت موقت فرمانده و مجلس موسسان میدادید انگار نه انگار که این قطعنامه را کورش مدرسی نوشته است. اینها به روی مبارکشان نمی آورند، این طفل شیرین آقای مدرسی اکنون بطور رسمی (نه ضمنی) بی صاحب مانده است. هنگامی که به آنها میگوییم آن چه شما نوشتید سیاستی راست و ضد کمونیستی بود، زبانشان را نیم متر بیرون میاورند و سعی میکنند خود را به کوچه علی چپ بزنند.

جالب این است که انگار نه انگار، گویا این گاف های بزرگ به لیدرشان مربوط نیست. انگار همین قطعنامه را دوباره در قالب منشور سرنگونی تایید نکرده اند، انگار آنها نبودند که نوشتند جامعه به راست چرخیده است، این سیاستهای راست چنان در صفشان نهادینه شده است که تعدادی از کادریانشان آشکار در نقد سوسیالیسم امروز مقاله مینویسند. این واقعیات نخراشیده و زمخت قرار است بر حقیقت سوسیالیسم خاک بپاشند. انگار نمایندگان و سخنگویان جنبش دهقانی در مریوان در مقابل سوسیالیسم مدرن و انسانگرایی کمونیسم کارگری در مرکز اروپا قد علم کرده است.

اینها بر مبنای همین متد در جریان اعتراضات تهران به مردم گفتند بروید خانه، و کسانی که به خیابان آمدند و شعار زنده باد سوسیالیسم دادند هخایی نام نهادند. در خوزستان مردم معترض "الاحواز"ی شدند و در کردستان و حتی در سنج مردم پژاکی از آب در آمدند.

گویا این جریان های راست و حاشیه ای نیروی محرکه اعتراض مردم بودند. این آقایان "ضد ناسیونالیست" گفتند مردم کردستان بروید خانه جنبش ناسیونالیستی است.

علیرغم این تفسیر راست روانه و مسلط بر سازمانشان هر کدام از افراد آنها تفاسیر متناقضی هم دارند. یکی میگوید چپ (هیچ چیزی) نقشی در مبارزات مردم کردستان نداشت، یکی مینویسد چپ در کردستان دست بالا را دارد. عیناً مثل اطلاعیه های تشکیلات خارج کشورشان یکی میگوید پیروزی کمپین علییه دادگاههای شریعه پیروزی نیست و نباید پیروزی تلقی شود، دیگری میگوید نه تنها پیروزی است بلکه سوسیالیستی است، حقیقتاً آدم می ماند و این همه مواضع متناقض، هر کدام را نقد کنید آن یکی را در مقابلت میگیرند. امیدوارم کسانی در صفشان فکر کنند و عمق این

اپورتنیسم و نان به نرخ روز خوردن را دریابند.

اگر کسی حوصله خواندن نوشته های اینها را داشته باشد از این جملات و تفسیرهای متناقض را به وفور مینویسد: یکی اعلام میکند جامعه به راست چرخیده است، آن یکی مینویسد جامعه به چپ چرخیده است، یکی مینویسد در کردستان ناسیونالیستها رهبری اعتراضات اخیر را در دست داشتند، یکی دیگر فراموش نموده که لیدرش چپ نوشته است، اعلام میکند چپ جامعه در کردستان دست بالا داشت، فرمانده طرح حزب برای این دوره است (چند خط بالاتر نقل قول مدرسی را نگاه کنید) فرمانده طرحی ارتجاعی است، مجلس موسسان طرح بورژوازی ایران است، این دوره است، کمونیسم فوری جواب ما است، کمونیسم را اگر عملی کنید مردم دم میکنند، وظایف انقلاب در این مرحله دمکراتیک است، این مرحله باید انقلاب سوسیالیستی کرد، دولت موقت همان دولت در دوره های انقلابی است، دولت موقت دولت ائتلاف نیروهای متفاوت است، حزب ما در چند ماه آینده باید ده برابر شود، حزب ما بعد از ده ماه نیرو از دست داد، حزب سیاسی باید اختلاف نظر و وحدت عمل داشته باشد، فراکسیون مخالف خط رهبری باید اخراج شود، و.....

این تناقض گویی در صفحات نشریات و حتی بعضاً در یک شماره نشریه اینها قابل دیدن است. این اتفاقی نیست سیاستهای احزاب ناسیونالیست کرد را هم نگاه کنید در هر دوره و هر روز به نسبت منافعشان سیاستی را بیان کرده اند، مواضع پژاک و حزب دمکرات نمونه های برجسته ای از این بی پرنسیبی سیاسی و نان به نرخ روز خوردن را در خود دارند. دوستان سابق ما هنوز باید یاد بگیرند تا مثل حزب دمکرات کردستان حرف بزنند. اینها تازه رسیده اند اما با تعجیل وارد شده اند. اینها برای گفته های خود ارزشی قابل نیستند.

اینها مرتب در حال دیدن و کشف عکس ناسیونالیستهای رنگارنگ هستند. قبلاً کسانی عکس مصدق را در جیب مردم

دیدند و امروز اینها عکس اوجان را در جیب مردم کردستان و سنجند مینویسند. البته حزب دمکرات هم گفته است عکس قاسملو را با دوربینهای مادون قرمز مشاهده کرده است. اینها البته سنگ تمام گذاشتند و گفتند در همه خیزشهای شهری کردستان چپ هیچ نقشی نداشت. نشریه پاسخ شماره ۳۴ اینها نمونه جالبی از این مواضع را به نمایش گذاشته است. در سنجند که چپ جامعه سالها است دست بالا را دارد باز هم این عکس ناسیونالیستها است که جلو چشم آنها برجسته شده است.

سیاست و تیوری و تشخیص قوانین حرکت جامعه پیشکش شان، اینها حداقل تجربه را نگاه کنند و ببینند کدام سیاستشان درست از آب در آمده است. مشکل این دوستان سابق ما از اینجا ناشی میشود که استراتژی آنها راست است. از این استراتژی راست نمیتوانند تاکتیک درست و چپ اتخاذ کنند. مقصر دبیر کمیته کردستانشان نبود که یکی دیگر را بر بالای سرش قرار داده اند تا کمبودش را جبران کند. در مورد خارج کشور هم همین کار را تکرار کرده اند. اینها به جای تغییر سیاست، تغییر آدمها را راه حل فرض کرده اند. اما این دوستان سابق ما باید بدانند از استراتژی راست فقط تاکتیک راست قابل اتخاذ است. استثنای ممکن است اما قاعده همین است که منشوعبین در آن گرفتار شده اند. در جریان اعتراضات مردم سنجند حتی یک شعار فدرالیستی و خودمختاری طلبی و کردیاتی از هر نوعش جایگاه جدیدی در میان مردم پیدا نکرد. ولی اینها تمام اعتراضات رادیکال و حق طلبانه را به کیسه ناسیونالیستهای کرد ریختند، چرا که خودشان در این اعتراضات کاره ای نبودند.

اعلام کردند که تظاهرات ۱۰ مرداد مردم سنجند ناسیونالیستی است. تصور کنید که تمام چهپهای سنجند مثل این جنابان این چنین بیربط و غیر اجتماعی حرف میزدند و مردم را به خانه نشستن تشویق میکردند، تصور کنید جریان های دیگر و حزب کمونیست کارگری هم

خیزشهای شهری در کردستان . . .

این تاکتیکها و سیاستی که در تقابل با مبارزات مردم بیان کرده اند، همراه با ابراز نفرت از چپ جامعه و حزب کمونیست کارگری و تلاش برای اثبات این سیاستشان، که در جامعه راست دست بالا را دارد و... همگی را اگر به عنوان یک سیستم فکری و متد برخورد معین نگاه کنید، متوجه این واقعیت خواهید شد که اینها با این سیاستهای راست روانه و غیرمسلحانه به همان سنتهای "جنش کردستان" رجعت کرده اند" موضع گیری غیر مسولانه و نپذیرفتن پیامدهای آن، از خصوصیات بارز جریانانات ناسیونالیستی در کردستان است.

اینها بعد از جدایی از حزب کمونیست کارگری هیچ مسولیتی در قبال مواضع خود ندارند. تاکتیکهای اخیر اینها وداع گفتن با هر نوع کمونیسم و رادیکالیسمی است. اینها اکنون "چپهای معقولی" تشریف دارند که نمیخواهند در "انقلاب ۴ نفر هم کشته شود. زیرا در انقلاب روسیه ۴ نفر هم کشته نشدند". اولاً فاکتشان غلط است دوماً اینها ما را متهم کرده اند که مردم را به کشتن میدهیم، گویا مقصر رژیم اسلامی نیست که تفنگ را در مقابل مردم گرفته است. گویا این ما کمونیستها هستیم که ماجراجویی میکنیم و مردم کشته میشوند. با این متد لابد باید

مردم سیاست چپ و رادیکال را اجرا کردند و کسی به سیاست اینها جواب نداد. گزارش چند نفر از سنج را پخش کردند که نوشته بودند: "ریشوها بانکها را آتش زدند و مردم ماشین قراضه را به آتش کشیدند". این گزارش کسی است که با تحلیل منشعبین توافق دارد. مردم سنج و کل جامعه هم سیاست دیگری پیش بردند و جواب اجتماعی به این خط راست دادند، رد شدن یک سیاست در عمل یعنی نقد پراتیکی آن سیاست.

خارج از هر اختلافی، منصفانه این بود که اینها از مردم سنج معذرت خواهی میکردند. با توجه به سیاستهای اعلام شده قبل و بعد از خیزشهای شهری و بعد از اینکه نتایج سیاستشان به یک افتضاح تبدیل شد، آیا باز هم پز حق به جانب گرفتن نشانه درایت و عقل سلیم است یا بی مسولیتی و دهن کجی به مردم. با این تاکتیکها و سیاستهایی که این مدت از خود بروز داده اند تازه معلوم شد که مردم رادیکالی که سالها از آن حرف میزدیم از نظر اینها ذوب شده اند و همگی ناسیونالیست از آب در آمده اند! این بذل و بخشش فقط از یک جماعت غیر اجتماعی و غیر مسول بر میآید..

میدوند، این کومه است که جواب آنها را نمیدهد. جالب این است که هیچکدام از این جریانانات که اینها آرزوی ائتلاف با آنها را دارند جدیشان نمیگیرند. همچنانکه کومه هم جدی نگرفت. اسم افراد و اطلاعیه حزیشان رفت آنجا که باید میرفت. کسی که میخواهد این حقیقت را با چشم ببیند برود و سایت کومه را نگاه کند. تازه کومه به اینها ارفاق کرده است، جریانانات دیگر حتی اسم و قطعنامه های آقای مدرسی از جمله همین قطعنامه بالا را هم در سایتشان درج نکردند.

به هر حال آنها اعلام کردند و هشدار دادند که تظاهرات ۱۰ مرداد ۸۴ سسنسندج ازان ناسیونالیستها است. ما همراه فعالین چپ در جامعه فراخوان شرکت در این تظاهرات را دادیم و اعلام کردیم که شهر را تعطیل کنند و به تظاهرات بروند. این دو خط و دو گرایش بود. یکی گفت این تظاهرات ما نیست، یکی گفت مردم شهر را تعطیل و به تظاهرات بروید. بعد از گذشت بیش از یک ماه آشکار تر و مستندتر میشود در مورد آن قضاوت کرد. اکنون تنها تحلیل نیست که محک میخورد نتایج تحلیل و سیاستهای پراتیک شده و نشده را ما در مقابل خود داریم.

مثل این جماعت میگفتند این تظاهرات مال ما نیست، چه اتفاقی می افتاد. یا این حرکت اعتراضی انجام نمیشد یا اینکه تنها میدان دار، جریانانات حاشیه ای ناسیونالیستی میشدند و ممکن بود در نبود شعارهای رادیکال، چند نفر ناسیونالیست شعارهای ناسیونالیستی سر بدهند. آنوقت همینها بلندگو دست میگرفتند و میگفتند ما هشدار دادیم و گفتیم که این تظاهرات مال ما نیست! دیدید راست گفتیم، دیدید ناسیونالیستی بود و... اما اکنون علاوه بر سیاست، بر اساس تجربه هم، من به اینها میگویم دیدید باز هم سیاستتان راست و غیر اجتماعی بود، دیدید باز هم سیاست غیر کمونیستی شما بازنده بود. دیدید باز هم مثل تهران و خوزستان مبارزات مردم را به جیب ناسیونالیستها ریختید.

البته این اتفاقی نیست، سیاستی که به دنبال ائتلاف با جباریان باشد و قبلاً از طرح ائتلاف با مجاهدین و سلطنت طلبها شروع کرده باشد، اکنون باید منتظر ائتلاف بعدیشان با کسان دیگری باشیم. اینها نه به فکر سازمان دادن و تقویت انقلاب که به فکر راهی برای ائتلاف با جریانانات دیگر هستند. اکنون هرچه دنبال کومه

۱۷ سپتامبر ۲۰۰۵

(بیانیه مشترک تعداد ۲۸ نفر از کارگران کارخانه شاهو سنج در رابطه با صندوق کمکهای مالی)

پرداخت کند تا بتوانیم به زندگی بخور و نمیر خود ادامه بدهیم. در خاتمه از کسانی که ما را یاری نموده اند و حتی دلهایشان برای ما می تپد کمال تشکر و قدر دانی میکنیم و دست تک تک آنها را می فشاریم. با کمال تشکر . کارگران اخراجی و ابقا به کار کارخانه شاهو با اسامی زیر:

۵/۶/۸۴

مردم شریف ایران و کارگران زحمتکش، خواهان و برادران عزیز

این بحران در حالی دامان ما را فرا گرفته که اکثر بچه هایمان در مقطع دانشگاه هستند. در این راستا جمعی تشکیل داده ایم و شماره حساب ۱۴۳۸ با کد ۵۵۲۰ را در بانک ملی شعبه میدان آزادی توسط امضا کنندگان زیر باز نموده ایم. غیر از این شماره حساب، هیچکس حق ندارد به کسی پولی

کار طاقت فرسا را تحمل نموده ایم و اکثر بیماریهای متعددی دامانمان را گرفته و حالا در بحرانی قرار گرفته ایم که زندگی خود و خانواده هامان در حال فروپاشی می باشد و این بار مجبوراً دستمان را به روی مردمان شریف و کارگران محترم دراز می کنیم تا ما را یاری و کمک نمایند تا بیشتر از این در فقر قرار نگیریم و

مسئولین محترم استان تقاضای کمک مالی نمودیم طبق نامه های که در تاریخ ۸/۴/۸۴ و ۱۸/۴/۸۴ هیچگونه کمکی و حتی جوابی به ما ندادند و تا این تاریخ یک مدت هشت ماهه است هیچگونه حقوقی دریافت نکرده ایم و هر یک از ما در محیط سخت و زیان آور کارخانه مدت بیست الی بیست و پنج سال

همانطوری که محتضر هستید در اوایل سال ۸۴ کارخانه ما را بیرون کرده و ما نیز شکایت کردیم و بارها اعتراض و تحسن در مقابل ادارات دولتی نمودیم تا اینکه در تاریخ ۷/۳/۸۴ و در تاریخ ۸/۵/۸۴ توسط اعضای محترم هیئت تشخیص و هیئت حل اختلاف رای ابقا به کار ما صادر گردید در این راستا ما ضرر و زیانهای زیاد کردیم و بارها از

۲۵	بهرروز مراد ویسی	۱۹	صدیق مهدی	۱۳	ابراهیم فتحی	۷	عبدالله شیروانی	۱	خالد سواي
۲۶	حبیب الله میرکی	۲۰	فتح الله حسین پناهی	۱۴	صدید صدیق صیدی	۸	صدیق قره ای	۲	سید جمیل احمدی
۲۷	صدیق زندی	۲۱	حسین قادری	۱۵	احمد محمودی	۹	حسین ناصر	۳	علی حجتی
۲۸	سید هادی احمدی	۲۲	محمد علی حبیبی	۱۶	حسن ملکی	۱۰	۴	امین محمدی
		۲۳	محمد دنیایان	۱۷	یدالله حسین پناهی	۱۱	حبیب الله ملازاده	۵	اسماعیل کاظمی
		۲۴	حسین کرمی	۱۸	حسن خدامرادی	۱۲	غیاث علی پناه	۶

نیروهای رژیم به تجمع اعتراضی کارگران ایران پویا حمله کردند.

کارگران باید معرفی و محاکمه شوند و خواسته‌های کارگران باید فوراً عملی شود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ شهریور ۱۳۸۴

۱۷ سپتامبر ۲۰۰۵

www.rowzane.com

**تلفن و فاکس برای
تماس با حزب**

Tel: 0044-7950 517 465

Fax: 0044-8701 351 338

با اعتراض کارگران به این وحشیگری مزدوران حکومت، فرماندهی کلاتتری و نیروهای انتظامی، این اقدام را ناشی از "بی‌تجربگی" سربازان قلمداد کرده است!

حزب کمونیست کارگران ایران

حملات وحشیانه نیروهای سرکوبگر رژیم به تجمع کارگران یخچال سازی پویا را بشدت محکوم نموده و همه کارگران را به اعتراض به این توحش سرکوبگران حکومت منفور اسلامی فرا می‌خواند. عاملین حمله به

در جریان یورش وحشیانه نیروهای سرکوبگر رژیم به کارگران، ۶ تن از آنها در اثر جراحات وارده به بیمارستان فیاض بخش منتقل شده اند که حال دو تن از آنها به دلیل عارضه قلبی وخیم می باشد. تعداد زیادی از کارگران در اثر استنشاق گاز های سمی ای که افراد مسلح حکومت شلیک کردند دچار مشکلات تنفسی شده و چند تن از کارگران کماکان در بیمارستان بستری می باشند.

میلهها شرکت را تهدید میکنند. بنا به این گزارش کارگران با تجمع در برابر ساختمان اداری شرکت خواهان توضیح مدیریت شدند اما مدیریت از دادن جواب به خواسته‌های کارگران سرباز زده و نیروهای سرکوبگر رژیم و نیروی انتظامی وابسته به کلاتتری ۱۱۹ مهرآباد جنوبی را به سراغ کارگران می فرستد. نیروهای انتظامی وحشیانه به تجمع کارگران حمله کرده و با شلیک گاز اشک آور به کارگران معترض حمله کردند.

روز چهارشنبه ۲۳ شهریور کارگران ایران پویا در اعتراض به دزدیهای مدیر شرکت و بنیاد مستضعفان دست به یک تجمع در مقابل ساختمان اداری شرکت زدند. کارگران میگویند با تلاشهای خود توانسته اند بارآوری شرکت را بالا ببرند اما مدیران سودهای بیشتری که نصیب کارخانه شده را صرف ریخت و پاشهای خود و پرداختهای بی حساب و کتاب میکنند و کارگران را در معرض بحرانهایی قرار میدهند که به دلیل این حیف و

تجمع کارگران شاهو در مقابل شرکت آتیه در تهران

اخبار ادامه و چگونگی این تجمع را در اطلاعیه های بعدی به اطلاع میرسانیم.

کمیته کردستان حزب کمونیست

کارگری ایران

۲۸ شهریور ۸۴

۱۹ سپتامبر ۲۰۰۵

asangaran@aol.com

0049-1633458007

www.iskraa.org

آیا بچه های ما حق رفتن به مدرسه و دانشگاه ندارند، چرا!

در این تجمع تعدادی از کارگران و فعالین کارگری در تهران از جمله کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری به حمایت از کارگران شاهو برخاسته و کارگران را همراهی میکنند.

حزب کمونیست کارگری با تمام قوا از مطالبات و مبارزات کارگران شاهو حمایت میکند و همه کارگران را فرامیخواند که از مطالبات و مبارزات کارگران شاهو حمایت کنند.

باید به سر کار برگردند و تمام حقوق و مزایای آنها از بهمن ماه ۸۳ تا کنون باید پرداخت شود، با این وجود ۲۸ کارگر این کارخانه فقط به سر کار برگشتند و دستمزدها و حقوق و مزایای آنها پرداخت نشد.

امروز کارگران در اعتراض به دستمزدهای معوقه خود در مقابل شرکت آتیه تجمع کردند. بر روی پلاکادهایی که کارگران در این تجمع در دست دارند چنین نوشته اند: ما خواهان پرداخت ۸ ماه دستمزدهای معوقه و تمام حقوق و مزایای خود هستیم!

به سر کار بازگردند. اما بازگشت به کار کارگران مصادف بود با اعتصاب و اعتراض همکاران شاغل خود در این کارخانه که ۴ ماه دستمزدهای معوقه خود را میخواستند. بعد از چند هفته اعتراض و تجمع همه کارگران با هم، کارفرما ناچار شد دستمزدهای معوقه ۳ ماه ۱۱۰ نفر از کارگران شاغل را بپردازد. اما با وجود اینکه رای هیئت تشخیص و هیئت حل اختلاف به نفع ۲۸ نفر از کارگران اخراجی در مقابل کارفرما صادر شد و در آن قید شده بود که کارگران

طبق اخبار رسیده به کمیته کردستان حزب، امروز دوشنبه ۲۸ شهریور ۸۳ از ساعت ۱۱ صبح ۲۸ نفر از کارگران کارخانه شاهو در مقابل شرکت آتیه در تهران تجمع کردند. کارخانه شاهو در سنندج وابسته به شرکت آتیه است.

۲۸ نفر از کارگران کارخانه شاهو در سنندج از بهمن ماه سال ۱۳۸۳ تا کنون دستمزدهایشان پرداخت نشده است. در این مدت دهها اعتراض و تجمع را سازمان داده اند. در نتیجه این اعتراضات پیگیر و جسورانه کارگران توانستند

مذاکرات کارگران شاهو با شرکت آتیه به نتیجه رسید

کارخانه را راه اندازی کند. علاوه بر دریافت دستمزدهای معوقه ۱۴۰ نفر کارگران این کارخانه با عدم امنیت شغلی روبرو هستند.

*** **

کمیته کردستان حزب کمونیست

کارگری ایران

۲۸ شهریور ۸۴ - ۱۹

asangaran@aol.com

00491633458007

www.iskraa.org

حاصل کردند که این پول واریز شد، به تجمع خود پایان دادند و به سنندج برگشتند.

اما اگر روز چهارشنبه این چهار میلیون تومان هم به کارگران پرداخت شود، هنوز بخشی از دستمزدهای کارگران را تشکیل میدهد، زیرا این ۲۸ نفر ۸ ماه دستمزد پرداخت نشده و مزایای دیگر را باید دریافت کنند. در ضمن کارخانه اکنون به دلیل بدهیهای زیاد بدون آب و برق و تلفن تعطیل است و قرار است صاحب جدید آن، این

داد که ۴ میلیون تومان را روز چهارشنبه به کارگران پرداخت خواهند کرد.

کارگران اعلام کردند که این قول و قرارها را زیاد شنیده اند باید تضمینی برای این قول باشد که تجمع را پایان بدهند. کمانی چک چهار میلیون تومان را همانجا به حساب کارخانه واریز کرد و اعلام کرد که این پول بابت دستمزدهای معوقه ۲۸ کارگری است که امروز تجمع کرده اند.

هنگامی که کارگران اطمینان

وارد مذاکره شوند. بار دوم هنگامی که مسولین شرکت آتیه دیدند که کارگران اعتراضات خود را ادامه میدهند، ناچار به عقب نشینی شدند. طی مذاکراتی با نمایندگان کارگران، تعهد کردند که دستمزدهای معوقه ۸ ماه ۲۸ نفر از کارگران کارخانه شاهو را پرداخت کنند.

همزمان که در مقابل شرکت تجمع کارگران ادامه داشت معاون مدیرعامل شرکت آقای کمانی طی مذاکره ای با نمایندگان کارگران قول

چهار میلیون تومان بابت دستمزدهای معوقه ۲۸ کارگر کارخانه شاهو واریز شد.

طبق آخرین خبر رسیده به کمیته کردستان حزب، تجمع کارگران شاهو در مقابل شرکت آتیه در تهران پایان یافت.

همچنانکه در اطلاعیه های قبلی اطلاع دادیم امروز دور اول مذاکرات بدون نتیجه پایان یافت. کارگران اعلام کردند که به تجمعات خود ادامه میدهند. مسولین شرکت آتیه ناچار شدند بار دیگر با کارگران

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!